



(مقاله پژوهشی)

## حقوق اشخاص دارای معلولیت در قانون حمایت از معلولان ۱۳۹۶ با رویکردی بر نامه امام علی (ع) به مالک اشتر

احمد رضوانی مفرد<sup>۱\*</sup>، انسیه نوراحمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

(از ص ۶۱ تا ۸۰)

### چکیده

افراد دارای معلولیت به عنوان قشر عظیمی از جمعیت جهان برای بهبود شرایط زندگی‌شان، نیازمند اعمال تبعیض‌های مثبت می‌باشند. از این رو جهت تضمین بهره‌مندی این افراد از حقوق و آزادی‌های اساسی، سال ۱۳۹۶ قانون حمایت از حقوق معلولان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این پژوهش با نگاهی به نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نحوه حمایت حقوقی حاکم اسلامی را از این قشر آسیب‌پذیر جامعه با قانون حمایت از معلولان در ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای مفاهیم موجود در متن نامه امام علی (ع) که ناظر بر مفهوم افراد دارای معلولیت و توانخواه در گذشته بوده را مورد مطالعه قرار داده و سپس به عنوان الگویی برای جوامع و حکومت‌های اسلامی مهمترین اصول اندیشه‌های حقوقی امام را در ارتباط با افراد دارای معلولیت در سه اصل: ۱. الزام آوردن رعایت حقوق افراد دارای معلولیت، ۲. فراگیری حقوق نسبت ایشان و ۳. حفظ کرامت انسانی مورد بررسی قرار داده است.

نتایج حاکی از آن است که عناوین موجود در متن نامه را حتی اگر نتوانیم از لحاظ مفهومی توسعه داده و بر معلولان منطبق سازیم ولی از جهت مصداقی هیچ شکی وجود ندارد که عناوین این گروه نیازمند را در بر گرفته و لذا احکام بیان شده توسط امام شامل این قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌گردد. رعایت اصول فوق، نویدبخش یک جامعه اسلامی است؛ که در آن حقوق افراد مطابق با کرامت ذاتی آن‌ها تامین گردیده و همه مردم در برابر قانون یکسان تلقی می‌شوند.

**کلید واژه‌ها:** افراد دارای معلولیت، حقوق اختصاصی معلولان، قانون حمایت از معلولان، نامه امام علی به مالک اشتر.

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

## ۱. مقدمه

وضع قانون در همه ادوار تاریخ و در همه جوامع انسانی جهت برابری تمامی انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ معلولان به عنوان اعضای جوامع بشری همواره حقوق ذاتی یکسانی با سایرین دارند همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: (بازشناسی حرمت ذاتی آدمی و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر تمامی اعضای خانواده بشری بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان است). انسانها با هر رنگ و نژاد و شرایطی که دارند حقوق مساوی و برابری در پیشگاه عدالت داشته و قوانین هر کشور و ملتی متضمن دسترسی به عدالت می‌باشد. قوانین داخلی و بین‌المللی هم به لحاظ شکلی و هم ماهوی همواره ابزاری در دستیابی به حقوق مساوی تمامی افراد جامعه می‌باشد، و لذا این قوانین باید با تکیه بر حقوق ذاتی انسان‌ها به گونه‌ای تدوین گردد که افراد جامعه اعم از انسان‌های سالم و انسان‌های دارای معلولیت را به یک اندازه در پیشگاه عدالت مورد حمایت قرار داده بگونه‌ای که هیچ فردی نتواند بر دیگری تسلط یافته و از این رو کارایی و جامعیت قوانین حمایتی می‌تواند از طریق نیل به هدف فوق مورد سنجش قرار گیرد؛ که در این پژوهش مهمترین هدفمان، سنجش جامعیت قانون حمایت از حقوق معلولان سال ۱۳۹۶ و قوانین صدر اسلام با تأکید بر نامه امام علی (ع) به مالک اشتر مطابق با اصل حقوق ذاتی برابر افراد سالم و عادی و افراد دارای معلولیت می‌باشد که از اهمیت برخوردار است.

## ۱-۱. بیان مسأله

در عصر حاضر برای حمایت ویژه از اشخاص آسیب‌پذیر اسناد خاصی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی با هدف ارتقاء، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها به تصویب رسیده است؛ دهه‌های اخیر در تاریخ مسائل حقوقی افراد دارای معلولیت و توانخواه در ایران، مقطع سرنوشت‌ساز و مهمی بوده است؛ زیرا از سال ۱۳۸۳ که نخستین مجموعه قوانین ویژه این افراد در مجلس شورای اسلامی تصویب شد تاکنون، این قوانین سیر صعودی داشته به‌نحوی که آرام‌آرام نواقص و کاستی‌هایش جبران گشته و سلسله قوانین ویژه معلولان ایران را به وجود آورده‌اند. بحث حمایت از معلولان و قشر آسیب‌پذیر جامعه در بدو تشکیل حکومت علوی نیز مورد توجه بوده و در نهج‌البلاغه، در بخشی از نامه‌ای که امام علی (ع) به کارگزار و والی خود در شهر مصر (مالک اشتر) می‌نویسد مطرح گردیده است؛ می‌توان گفت فارغ از جنبه‌های ادبی، این نامه از متون مهم حقوقی است که به تبیین حقوق اساسی و قواعد حاکم بر روابط مردم و حاکمیت می‌پردازد.

پژوهش حاضر یک مطالعه کتابخانه‌ای است که با استفاده از روش‌های تحلیلی استنباطی به تطبیق حقوق معلولان در حکومت علوی با محوریت نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، با حکومت اسلامی و قوانین موضوعه ایران می‌پردازد. این نوشتار درصدد پاسخگویی به چند پرسش اساسی است: نخست آنکه آیا چهار گروه اصلی افراد دارای معلولیت در صدر اسلام وجود داشته و مورد توجه قانون‌گذار و حاکم اسلامی بوده‌اند؟ دوم اینکه آیا رویکرد و نگرش اسلام و حقوق موضوعه ایران نسبت به حقوق معلولان تطابق و همسویی

دارند؟ سؤال دیگر اینکه اصول اساسی حمایت از افراد دارای معلولیت در حکومت علوی چیست و قوانین کنونی کشور تا چه میزان بر مفاهیم بنیادینی که امام علی (ع) بیان نموده‌اند استوار گشته است؟

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

موضوع حقوق انسانی افراد دارای معلولیت از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع امروزی است؛ در سال‌های اخیر در تاریخ مسائل حقوقی معلولین در ایران شاهد یک جهت‌گیری در «مشارکت کامل و ایجاد فرصت‌های مساوی برای معلولان» در قانون‌گذاری هستیم و مجلس شورای اسلامی با تدوین سلسله قوانین ویژه معلولیت از سال ۱۳۸۳ تاکنون که عبارت‌اند از: «قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳» و «قانون الحاق به کنوانسیون حمایت از معلولان در ۱۳۸۷» و «لایحه جامع حمایت از معلولان مصوب دولت جمهوری اسلامی در ۱۳۹۴» و «قانون حمایت از معلولان در سال ۱۳۹۶» گامی بزرگ در جهت رفع محرومیت و تبعیض از این افراد برداشته و به دنبال آن اندیشمندان حقوقی جهت کمک به رفع نواقص قوانین داخلی و کارآمد بودن آن، در کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات خود به بررسی قوانین داخلی با قوانین خارجی پرداختند که از جمله می‌توان به کتب «حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر» از نگار نباتی؛ «حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی» از حسن مراد زاده؛ «بررسی تطبیقی حقوق معلولین در حوزه اشتغال» از محمدعلی فرجی؛ و برخی همچون «حقوق معلولان در قوانین ایران» از احمد باختر؛ «حقوق معلولان ایران» از علی نوری؛ «حقوق معلولین» از الهام الهامی زاده، اشاره نمود که می‌توان گفت تمامی این تلاش‌ها و بررسی‌ها منحصر در قانون‌گذاری و حول مقایسه تطبیقی حقوق داخلی ایران با کنوانسیون‌ها و حقوق خارجی در زمینه معلولان بوده و کمتر موردی همچون «حقوق معلولان، بررسی مبانی عدالت و مساوات» و «حقوق معلولان از نظر قرآن کریم» از محمد نوری به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات اسلام در مورد این قشر از جامعه پرداخته و با وجود همه این‌ها همچنان خلأ پژوهش در کتب اصیل فقهی و متون ناظر بر قانون‌گذاری در عصر معصومین احساس می‌گردد و لذا درصدد برآمدیم تا در مقاله‌ای به بیان جایگاه معلولان در حکومت علوی و اصول اساسی حمایت از ایشان و مقایسه میزان همسویی قانون حمایت از معلولان با قوانین علوی بپردازیم.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

افراد دارای معلولیت با اینکه به لحاظ مردم شناختی، جمعیت قابل توجهی داشته و حتی در مقایسه با بسیاری از طبقات اجتماعی همچون محجورین، قشری عظیم به شمار می‌آیند، متأسفانه در تاریخ فقه و حقوق اسلامی بخش مدون خاصی را در کتب فقهی به خود اختصاص نداده و با وجود اهتمام فقها به تدوین بابیهایی تحت عنوان محجورین، احکام این قشر از جامعه در میان احکام بابیهای مختلف به صورت پراکنده وجود دارد و متأسفانه پژوهشگران مسلمان کتب فقهی حدیثی را کمتر با این رویکرد مورد بررسی قرار داده‌اند. بررسی حقوق اشخاص دارای معلولیت با رویکردی بر کتاب نهج البلاغه و دیدگاه حمایتی حکومت علوی می‌تواند در تدوین قوانینی منطبق با قوانین اسلامی برای این قشر از جامعه و داشتن حکومتی عادل

راهگشا باشد لذا در این مقاله با بررسی تطبیقی قوانین حمایتی امام علی (ع) با قوانین موجود در جهت رفع نواقص و خلأهای قانونی گام برخواهیم داشت.

## ۲. بحث

### ۲-۱. تعریف معلولیت

کلمه معلول در لغت اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول میگویند (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۲۹).

معرفی و استقرار مفهومی پرمعنا از معلولیت دشوار است؛ اما به طور کلی هر شرایط شخصی که باعث شود که آن فرد، در فعالیتهای مفید روزمره خود در مقایسه با افراد همسان دیگر، از کارایی کمتری برخوردار گردد؛ ممکن است شرایط عقبماندگی یا معلولیت ساز را تداعی کند، بنابراین می توان گفت اولاً معلولیت مفهومی نسبی دارد و دامنه آن وسیع برداشت می شود و ثانیاً ریشه در ناتوانی و بیماری فرد دارد (خداپرست مشهدی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲). از ابتدای وجود بشریت و در تمامی جوامع انسانی معلولیت در انواع مختلف وجود داشته است. از لحاظ تاریخی معلولان به عنوان افراد ترحم آمیز و به عنوان سربار خانواده و جوامع تلقی می شدند. براساس این دیدگاه معلولیت یک فاجعه است و افراد معلول قربانیان بدبختی هستند که از لحاظ اجتماعی مرده اند یا بهتر است بگویند (بهری خیابوری و عابدینی، ۱۳۹۷: ۱۱۱). اما در اسلام حقوق انسان دارای چنان گستره ای است که در هیچ دینی از ادیان الهی و نیز در هیچ تمدنی از تمدن های بشری و قوانین موضوعه دیده نمی شود چراکه حقوق انسانی به بهترین شکل آن در اسلام تعریف شده است، زیرا تنها خداوند است که به نیازهای انسان و صیانت از آنها آگاه است و این خداوند است که با تشریح و قوانین الهی مخاطبین را به احترام حقوق انسان مجبور می کند. حقوقی که شریعت اسلام برای انسان قائل شده، از یک سو به دلیل وسعت رحمت الهی شامل معلولان نیز می شود و از دگر سو ناظر بر کرامت بشری است (ابوطالبی و جعفری هرنندی و آیتی، ۱۳۹۷: ۶۴). اصل کرامت انسانی در ادبیات دینی، اصلی انسان شناسانه است که تنها جنبه توصیفی ندارد و متضمن حقی است که خداوند همراه با خلقت آدمی، به وی ارزانی داشته است. این بدان معناست که هر انسانی حق پاسداری از حرمت کرامت خویش را دارد و هیچ کس مجاز نیست کرامت انسانی خود یا دیگری را نقض کند (نوبهار، ۱۳۸۲: ۶۱۸). در تعریف معلولیت و انسان معلول می توان گفت انسان معلول به فردی اطلاق می گردد که در انجام تمام یا قسمتی از فعالیت های عادی زندگی فردی یا اجتماعی به علت وجود نقصی مادرزادی یا اکتسابی، در قوای جسمانی یا روانی ناتوان است. می توان گفت معلول فردی است که با توجه به شرایط سنی و طبیعی خود توانایی اش در حد پایین تری قرار دارد و با محدودیت هایی مواجه می گردد که از فعالیت متعارف و ایفای نقش عادی در زندگی و جامعه محروم می شود (ر.ک: نیاتی، ۱۳۸۹: ۲۷).

استیفای حقوق معلولان و توانمندسازی معلولان برای داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت آنها در تمام جنبه های زندگی، متوقف بر قائل بودن چنین حقی برای آنهاست. بر حاکمیت لازم است که براساس

معاهدات اجتماعی میان حکومت و افراد شرایط زندگی متعارف و برخوردار مسواوی با دیگران را برای معلولان فراهم نماید. بر این اساس، معلولیت و چالش حقوق آن‌ها در عصر حاضر حقیقتی انکارناپذیر است و جوامع پیشرفته با این حقیقت به شکل واقعی مواجه شده و برای این اقلیت بزرگ حقوقی قائل‌اند و به ادای آن پایبند (ابوطالبی و جعفری هرندی و آیتی، ۱۳۹۷: ۶۱). در تبصره ماده یکم کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، افراد دارای معلولیت را چنین تعریف می‌نماید: افراد معلول، اشخاصی را که دارای آسیب‌دیدگی‌های طولانی‌مدت جسمی، ذهنی، فکری و یا حسی هستند و تعاملشان با موانع مختلف، از نظر مشارکت کامل و مؤثر، براساس اصول مسواوی با دیگران، ممکن است مشکل‌آفرین باشد، شامل می‌شوند. در ماده یک قانون حمایت از معلولان نخستین امری که مورد توجه قرار گرفته، تعریف و مفهوم اصطلاح «اشخاص معلول» است. بر این اساس، «فرد دارای معلولیت: شخصی است که با تأیید کمیسیون پزشکی - توانبخشی تعیین نوع و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی و یا توأم، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی، مواجه است.» همان‌گونه که مشاهده می‌گردد در قانون مقام صلاحیت‌دار برای احراز کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی تعیین گردیده است. امام علیه‌السلام در نامه‌ای به مالک اشتر برای ورود به بحث معلولان سخن خود را با لفظ جلاله «اللَّهُ اللَّهُ» تأکید نموده و چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الدِّينِ لَا حِيلَةَ لَهُمْ» و در ادامه با دسته‌بندی این گروه به تشریح وظایف در مقابل آن‌ها می‌پردازد: «مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الرِّمَى»؛ که برای دریافتن معنای حقیقی معلولان از منظر امام لازم است تا به تفسیر و تبیین این الفاظ بپردازیم:

### الف- مسکین:

از کلمه سکن در اصل به معنی استقرار به خلاف اضطراب و حرکت، به معنی سکون و آرام گرفتن بعد از حرکت است، مسکین چون در مقایسه با مردم زمین‌گیر گشته و ساکن است، به این اسم خوانده می‌شود. مسکین بر وزن مفعیل به معنی مبالغه در سکون و بی‌حرکتی به‌نحوی که دیگر از حد گذرانده است و عبارت است از کسی که قدرت مالی و توان جسمیش به دلیل مریضی، ضعف اعصاب و بدی خلق یا ضعف جسمانی یا ضعف مالی محدود گشته و عاجز از تلاش و کوشش برای امرارمعاش است (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۶۶/۵) طبرسی گوید: مسکنه به معنی درماندگی مصدر مسکین است. آن درماندگی بخصوصی است که از ذلت و خواری ناشی می‌شود و شخص پیش خود شرم‌منده می‌شود، مسکنت فقر نیست. المنار در فرق ما بین ذلت و مسکنت گوید: مسکنت حالتی است در شخص که از خود حقیر شمردن ناشی است به‌طوری که برای خود حقی قائل نیست؛ و ذلت حالتی است که منشأ آن ممنوعیت از حق خویش است و منشأ و سبب ذلت دیگران‌اند نه خود شخص (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۸۴/۳).

باید دانست در قرآن کریم فقط در یک محل مساکین با فقراء در ردیف هم ذکر شده‌اند ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا﴾ (توبه/۶۰). این باعث گفتگو شده که آیا هر دو یک صنفند و یا صنف مستقلی‌اند. بعضی‌ها گفته‌اند: مسکین آنست که هیچ چیز نداشته باشد و آن از فقیر شدیدتر است ولی دقت

در قرآن آن را تأیید نمی‌کند که در آیه ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ﴾ (کهف/۷۹) مساکین به صاحب کشتی اطلاق شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۸۵/۳).

با توجه به اصل ماده خواهیم دانست هر یک صنف بخصوصی است گرچه در بعضی مصادیق قابل جمع‌اند فقر در لغت به معنی حاجت است، فقیر یعنی حاجتمند و مستمند. مسکین از سکون است یعنی درمانده؛ درماندگی ممکن است در اثر فقر باشد و یا از مرض، فلج، نقص عضو و دوری از مال و اهل و غیره. علی هذا مسکین از فقیر اعم است (همانجا؛ صیمری، ۱۴۲۰ ق: ۲۶۴/۱)؛ برخلاف بعضی از بزرگان که فقیر را اعم دانسته (شهید ثانی، ۱۴۲۲: ۱۶۴؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۵ ق: ۷۲/۲؛ بهجت، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۰۲). زیرا هر فقیر از لحاظ حاجت مسکین و درمانده است ولی بعضی مسکین فقیر نیست مثل مسکین سوره کهف که صاحب کشتی بودند. عیاشی در تفسیر خود ذیل آیه ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ...﴾ (توبه/۶۰). از محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل کرده: فقیر آنست که سؤال می‌کند. مسکین پرزحمت‌تر از او است و سؤال نمی‌کند؛ و از ابی بصیر از آن حضرت نقل می‌کند: فقیر آنستکه سؤال می‌کند. مسکین پرزحمت‌تر از اوست و بئس از هر دو پر مشقت‌تر است. خلاصه سخن آنکه: مسکین به معنی درمانده. به نظر ما از فقیر اعم است؛ و اینکه امام علیه السلام مسکین را اسوء حالا فرموده ظاهراً راجع به آیه صدقات است و گرنه از حیث لغت و آیه ۷۹ کهف شاید مسکین فقیر نباشد و مراد در آیه صدقات آنست که حالش از فقیر بدتر باشد یعنی صدقات مال کسانی است که فقیراند و مالک قوت یکساله نیستند و نیز مال آن‌هایی است که مالک قوت یک‌روزه هم نیستند (قرشی، همانجا).

#### ب- محتاجین:

در اصل از حروف الحاء و الواو و الجیم گرفته شده به معنی اضطراب به شیء و حاجت (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴: ۱۱۴/۲) و نیاز (قرشی، همان: ۱۱۹/۲) است به نحوی که با دوست داشتن آن همراه می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۳). برخی بین فقر و حاجت تفاوت قائل شده‌اند به این نحو که حاجت دائر مدار نقصان و کمبود و نبود شیء است درحالی‌که فقر برخلاف غنا و ثروتمندی است و لذا حاجت اعم از فقر محسوب می‌شود؛ بین محتاج و فقیر و مسکین تفاوت وجود دارد به نحوی که فقیر در مقابل غنی به معنی کسی که صاحب مال و قدرت و مکننت به نحو مادی و معنوی نبوده و احتیاجات فرد در موقع نیاز برطرف نگشته است و همه این‌ها نسبت به خود فرد به صورت شخصی سنجیده می‌گردد. ولی محتاج در ملاحظه با نقصی که از لحاظ مادی یا معنوی در وی ایجاد گشته قادر به برطرف نمودن نیازهایش نیست؛ و می‌توان گفت محتاج زمانی که از نقص و کمبود چیزی سرچشمه گیرد از آثار فقر محسوب می‌گردد و مسکین از فقر شدیدتر است. لذا محتاج نیازش از یک نقص در امر مادی یا صفتی جسمانی ناشی می‌گردد. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۳۰۴/۲)

#### ج- اهل الزمینی:

از الزمینی به معنی ذو الزماتة منظور شخصی است که به بلا و مرضی مبتلا گشته که زمین‌گیر شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۹۹/۱۳) و زمان طولانی با این مرض سر می‌کند (فیومی، بی تا: ۲۵۶/۲) و زمینی جنس

بلایایی است که آدمی به آن‌ها دچار گشته و وارد جسم آدمی می‌شود درحالی‌که انسان نسبت به آن‌ها کراهت شدید دارد (زیبیدی واسطی، ۱۴۱۴: ۲۶۳/۱۸).

#### د- اهل البؤسی:

از کلمه بؤس به معنی ضد نعمت (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۴۰۱/۸-۴۰۲)، وجود مشقت، وارد آمدن ضرر بر آدمی (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۱۶/۷) است و بئس به کسی گفته می‌شود که به بلا و فقدان نعمتی دچار گشته است (صاحب بن عباد، همانجا). و در کاربرد محاوره‌ای عرب به کسی که دچار معلولیت ذهنی است اهل البؤسی می‌گویند. (ابن اثیر ۱۳۶۷: ۱۴۲/۳)

بنابراین می‌توان گفت امام در ابتدای امر به معرفی اشخاص نیازمند و معلول جامعه برای متولیان امر پرداخته که ایشان را با الفاظ مستعمل و متداول در فرهنگ آن دوره یاد کرده است. بنابراین اهل الزمینی ناظر بر معلولان حرکتی و اهل البؤسی ناظر بر معلولین ذهنی است و مفهوم مساکین و محتاجین را با توجه به آنچه بیان کردیم می‌توانیم توسعه داده و شامل معلولان نابینا و ناشنوا که در امور زندگی نیازمند کمک دیگران هستند هم بدانیم.

#### ۲-۲. مهمترین اصول حقوقی امام علی (ع) در سطح کلان ارتباط با معلولان

بی شک غفلت از آفاتی که میتواند به یک جامعه مطلوب آسیب برساند بسیار خطرناک خواهد بود و رهاورد همه تفکرات و زحمات را نابود می‌سازد. انسان بدون جامعه اسلامی به معنای واقعی آن به اهداف خود نمی‌رسد. لذا جامعه ای که بر پایه شریعت حق استوار نیست و طبق اصول صحیح اسلامی رفتار نمیکند، نمیتواند باعث ترقی و تکامل انسان‌ها شود و همواره با اعتراض خداوند متعال و از طریق انبیا و اولیا و متفکران جامعه رو برو خواهد بود. آنچه که در نهج البلاغه امام علی (ع) گرد آمده از آن زمان حاکمیت آن حضرت است که امام جهت استفاده به عنوان چشم انداز، پیشگیری یا اصلاح امور تذکر میدادند. امام علی (ع) به آسیب بی انصافی و نادیده گرفتن مظلومان اشاره کرده اند و بی توجهی به عامه مردم به ویژه افرادی نیازمند و توانخواه را از آسیب‌های خطرناکی میدانند که نقش و حضور مردم را در صحنه‌های اجتماعی کمرنگ نموده و آنها را از جامعه طرد می‌نماید (حلیمی جلودار، ۱۳۹۲: ۸/۱). لذا شایسته است قانون‌گذار به نیازهای افراد دارای معلولیت توجه ویژه نموده و با تصویب قوانین درست و کارآمد زمینه فعالیت و رشد آن‌ها را در جامعه فراهم آورد. مهمترین اصول حقوقی امام علی (ع) در سطح کلان ارتباط با افراد دارای معلولیت و توانخواه به شرح ذیل می‌باشد:

##### ۱. امره بودن حفظ حقوق معلولان

##### ۲. همگانی بودن و عمومیت داشتن حقوق نسبت به معلولان

##### ۳. حفظ کرامت انسانی

در زیر هریک از اصول فوق تبیین می‌گردد:

### اصل اول: امره بودن و لزوم حفظ حقوق معلولان

اولین تأکید امام بر حفظ و رعایت حقوق به نحو به امره بودن آن است و بیان می‌دارند: «وَ احْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ» یعنی این حق پروردگار است که باید آن را با دقت رعایت کند. آن حضرت در این جمله به این نکته کلیدی اشاره می‌فرماید که دولت اسلامی و متولی جامعه اسلامی مشمول دستور و فرمان حضرت حق و موظف به حراست و نگهداری از حقوق است و لذا تکلیفی بر عهده متولیان جامعه و دولت اسلامی است به نحوی که حق هیچ‌گونه توافق برخلاف آن عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد.

#### راهکارهایی در جهت لزوم اجرای حقوق معلولان در جامعه از دیدگاه امام علی (ع)

الف- نظارت بر جامعه معلولان و شناخت نیازها

کلام امام اصل نظارت بر اعمال کارگزاران و نحوه پرداخت حقوق معلولان را بسیار پر اهمیت دانسته و چنین می‌فرماید: «نسبت به کارهای کسانی که دسترسی به تو ندارند و مردم به دیده تحقیر به آن‌ها می‌نگرند، (حتی) رجال حکومت نیز آن‌ها را کوچک می‌شمرند (با دقت) بررسی کن و برای این کار، فرد (یا افراد) مورد اطمینانی را که خداترس و متواضع باشند برگزین تا وضع آن‌ها را به تو گزارش دهند»؛ «وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحُهُمُ الْعُيُونُ، وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ تَقَاتِكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضِعِ، فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ».

جمله «مِمَّنْ تَفْتَحُهُمُ الْعُيُونُ» اشاره به کسانی است که توده مردم به آنان چندان اعتنایی ندارند و آن‌ها را کوچک می‌شمارند. جمله «تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ» اشاره به این است که مردان حکومت نیز آن‌ها را در خور اعتنا نمی‌دانند. تعبیر به «فَرِّغْ» اشاره به این است که کسی را که برای شناسایی این افراد انتخاب می‌کنی باید تمام هم و غمش همین کار باشد نه اینکه در کنار کارهای دیگر به این کار هم رسیدگی کند. در ضمن امام (ع) برای مأموران بازرسی حال نیازمندان و شناسایی آن‌ها سه وصف ذکر فرموده است: مورد اعتماد و اطمینان باشند، خدا ترس و متواضع باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶۵/۱۱)

تمامی این سخنان حاکی از آن است که باید نظارتی همه‌جانبه در سطح کلان جامعه وجود داشته باشد تا در جایی حقی از معلولی به خاطر وجود ضعف و معلولیت نادیده گرفته نشود و ضایع نگردد. مطلبی که ماده ۲۹ قانون حمایت از معلولان مرکز آمار ایران را مکلف نموده تا در سرشماری‌های عمومی جمعیت کشور به نحوی برنامه‌ریزی نماید که جمعیت افراد دارای معلولیت به تفکیک نوع معلولیت آن‌ها مشخص گردد.

ب- تعیین مددکارهای متواضع و دارای محاسن اخلاقی به‌عنوان معتمدین حکومت

«فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ تَقَاتِكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ». معتمد خداترس و متواضع بر معلولان بگمار تا امور آنان را نزد تو آورد، اگرچه اجرای این دستور برای والیان سنگین است (جعفری، ۱۳۸۰: ۵۵۲/۴).

اجرای طرح نظارت بر معلولان در سازمان بهزیستی در واقع بر مبنای همین دستور حضرت است چرا که متولی جامعه و استاندار منطقه نمی‌تواند شخصاً به همه مسائل و امور معلولان رسیدگی کند، لذا لازم است



کسانی را به‌عنوان نماینده و واسطه انتخاب کند؛ این بند از نامه حضرت گویای این نکته می‌باشد که معلولان حق دارند نیازمندی‌ها و مشکلات خود را به گوش مسئول برسانند و حاکم وظیفه دارد به آن‌ها رسیدگی کند؛ اما مدیریت نمی‌تواند به بهانه کثرت معلولان در انجام وظیفه کوتاهی نماید. و از آنجایی که در عمل امکان رسیدگی به امور همه را ندارد حضرت راهکاری ارائه نموده و می‌فرماید لازم نیست خودت به همه امور رسیدگی کنی بلکه معتمدی تعیین کن تا به امور آن‌ها رسیدگی کند.

امام بر چند نکته تأکید دارد: ۱- واژه ثقک (معتمد خودت) گویای این است که مددکارها و گزارش‌کنندگان امور معلولان باید زیر نظر حاکم باشند. به عبارت دیگر تشکیلاتی شامل معتمدین رسیدگی‌کننده به امور معلولان، نباید خارج از حوزه ریاست کل باشد. ۲- معتمدین حداقل باید دو ویژگی خشیت و تواضع داشته باشند. نسبت به رئیس جامعه خاشع و نسبت به معلولان متواضع باشند. معتمد در مقابل معلولان، فروتن و در مقابل حاکمیت ضمن آگاهی از مشکلات، نگران اجراشدن برنامه‌ها و اوامر ریاست است. ۳- پایان این فقره عبارتی درباره ثقل و سختی به کارگیری معتمدی با این خصوصیات است.

ج- تأسیس اداره‌ای برای معلولان زیر نظر حاکم

«و اجعل لذوی الحاجات منک قسماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَك.» برای افراد دارای معلولیت (ذوی الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن.

به نظر حضرت، از جمله حقوق معلولان تأسیس یک سازمان ویژه در ساختار اداری و اجرایی کشور است که نماینده عالی‌ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به‌عنوان عالی‌ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس آن بگمارد. این بخش از نامه حاکی از آن است که سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود؛ و برای اجرایی کردن آن باید سازوکارهای لازم را فراهم آورد. واژه «منک» یعنی متولی باید تشکل معلولان را خودش ایجاد کند و در واقع زیر نظر خودش باشد، به دیگران یا به سازمانهای زیرمجموعه‌ای دولت نسپارد. گویا سازمان بهزیستی براساس همین دستورات حضرت تأسیس شده است؛ و در قانون جدید حمایت از معلولان هم همین نکته موردتوجه است.

د- تشکیل جلسات مشاوره و مناظره

«و تجلس لهم مجلساً عاماً». نشست عمومی با آن‌ها داشته باش.

حضرت به مالک اشتر می‌فرماید: تو به‌عنوان متولی و استاندار در کنار معلولان مصر بنشین و با آنان نشست عمومی و فراگیر داشته باش؛ یعنی حق افراد دارای معلولیت است که استاندار و متولی امور با آن‌ها تشکیل جلسه دهد سخنان آنان را بشنود و به خواسته‌های آن‌ها رسیدگی کند. جلسه خصوصی و نشست‌های دو نفره با معلولان داشتن هدف امام نیست بلکه تأکید به تشکیل جلسه عمومی دارد. در گفت‌وگوی عمومی، همراه با تضارب آراء، نقد و انتقاد، معارفه و شناخت یکدیگر و بالاخره هم‌افزایی و رشد پدید می‌آید. معلولان به دلیل روان‌شناسی خاصی که دارند، نیاز مبرم به گفت‌وگو و جلسات عمومی دارند. اساساً این تدبیر به یک شیوه درمانی و سازندگی برای آنان است. در دنباله امام نحوه برخورد در جلسه را متذکر می‌گردند: «فتتواضع

فیه لله الذی خلقک. در مجلس معلولان به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن.» حضرت می‌فرماید: ای مالک به خاطر اینکه خداوند تو را کامل آفریده، نسبت به افراد دارای معلولیت تکبر و غرور نداشته باش بلکه تواضع نما؛

تواضع یعنی انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و دیگران را کوچک و خوار نشمارد. افراد عادی و بعضی از مدیران جامعه در سخن، رفتار یا در عمل معلولان را کوچک شمرده و تحقیر کرده‌اند. در نظام سیاسی اسلام و سیره امام علی (ع) سیاست نه تنها از اخلاق جدا نیست بلکه سیاست تابع اخلاق است و هر دو از دین منشا میگیرند و اصل واحدی دارند. بر همین اساس هدف از حکومت در سیره علوی کسب قدرت نیست بلکه قدرت وسیله ای برای احقاق حق، گسترش دادگری، خدمت به مردم و... است و این امور زمانی جامه عمل به خود میپوشد که حاکمان و مدیران متخلق به اخلاق اسلامی باشند و سیاستشان تابع اخلاق باشد. (مولوی، ۱۳۹۵: ۱۶) کوچک شمردن معلولان زمینه‌ساز تبعیض علیه آنان می‌شود لذا می‌توان با برگزاری جلسه عمومی و مشارکت معلولان در آن زمینه را فراهم نمود تا معلولان سخن بگویند و متولی جامعه با آغوش باز مستمع باشد تا زمینه ای برای حل بسیاری از مشکلات آنان فراهم آید.

ح- دسترسی آسان معلولان به مسؤولین بدون وجود نگهبانان  
و تَقَعِدُ عَنْهُمْ جَنَدُكَ وَاعْوَانُكَ مِنْ اِحْرَاسِكَ وَشُرْطُوكِ. پاسداران، پاسبان‌ها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آن‌ها دور کن.

حق معلولان است تا با متولیان و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و وا همه ارتباط داشته و نقطه نظرات سازنده خود را به سمع آنان برسانند.

و- نحوه اجرای جلسات ویژه با مسؤولان  
تَخَفُّضُ لِهَمِّ فِي مَجْلَسِكَ ذَلِكُ جَنَاحُكَ وَ تَلِينُ لِهَمِّ كَنَفِكَ فِي مِرَاجِعَتِكَ وَ وَجْهَكَ. جلسه‌ای فاخر برای آنان تشکیل می‌دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم‌خویی آنان را در آغوش می‌کشی.  
در این فراز از نامه امام از دو اصطلاح «تخفص لهم جناحک» و «تلین لهم کنفک» استفاده نموده تا این را گوشزد نماید که نحوه اقدام و عمل با معلولان باید همراه با نرمی و فروتنی باشد به نحوی که در مواجهه با معلولان در گفتار و رفتار خشونت نداشته بلکه مدارا، تواضع و نرمی داشته باشد. لذا حضرت از چند اصطلاح استفاده نموده تا ضرورت تشکیل جلسات فاخر همراه با وجود اطمینان در کنار ریاست را بفهماند به نحوی که درصدد بیان روابط نزدیک معلولان و مددکاران و علاقه‌های دو طرف به هم بوده است چنان که در دنباله حضرت چنین می‌فرماید: «حَتَّى يُكَلِّمَكَ مَتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُتَعَبٍ». تا اینکه سخنگوی معلولان بدون اضطراب با تو سخن بگوید.»

این بند حق آزادی بیان را چنین مورد عنایت قرار داده که معلولان حق دارند با مقامات و مدیران ارشد جامعه و متولیان امورشان به راحتی و آرامش سخن بگویند و از طرف دیگر مسؤولین و مدیران باید شرایط ارتباط سالم و سازنده با معلولان را فراهم نمایند.

ز- تعیین معاونان و مدیران شایسته با اخلاقیات انسانی عالی و تجربیات کارآمد

در این بند از نامه امام از مالک می‌خواهد علاوه برداشتن تواضع در مواجهه با معلولان لازم است تا همراهان و معاونان و مدیران خود را نیز از قشری برگزیند که به اخلاق شایسته مزین بوده و آنان نیز رفتاری متواضعانه با معلولان داشته باشند: «و تواضع هناک فإن الله یحب المتواضعین ولیکن أکرماً أعوانک علیک الیهم جانباً و أحسنهم مراجعةً والطفهم بالضعفاء». در مقابل معلولان تواضع کن چون خداوند متواضعان را دوست دارد. لیکن فروتنی منحصر به خودت نیست و دستیاران و معاونان هم باید کریم‌تر، نرم‌خوتر، خوشبرخوردتر و ضعیف‌نوازتر باشند».

آنچه مشاهده می‌شود امام برای مدیران و معاونان تشکیلات معلولان چهار ویژگی حیاتی و کارآمد را بیان می‌نماید به‌نحوی که اگر چنین افرادی در رأس سازمان معلولان قرار گیرند، کارآمدترین نهاد خواهد شد؛ و آن چهار ویژگی عبارت است از: ۱. کرامت و کریمانه برخورد نمودن با معلولان؛ ۲. نرم‌خو بودن نسبت به معلولان منتقد و حتی مخالفان؛ ۳. دارای زیباترین صفات اخلاقی در برخورد با ارباب‌رجوع و ۴. لطیف‌ترین و با لطف و مرحمت‌ترین کسان نسبت به ضعیفا.

### اصل دوم: همگانی بودن و عمومیت داشتن حقوق نسبت به معلولان

در دنباله سخن امام به تشریح نحوه توزیع حق معلولان در جامعه پرداخته و می‌فرماید: «بخشی از بیت‌المال مسلمین و قسمتی از غلات خالصه‌جات اسلامی را در هر شهر (و آبادی) به آن‌ها اختصاص ده، زیرا آن‌ها که دورند به مقدار کسانی که نزدیک‌اند سهم دارند و تو مأموری که حق همه آن‌ها را رعایت کنی»؛ «و اجعل لهم قسماً من بیت مالک، و قسماً من غلات صوافی الإسلام فی کلّ بلد، فإنّ للأقصى منهم مثل الذی للأدنی، و کلّ قد استرعیت حقه».

در این فراز امام به دو نکته اشاره می‌کند:

۱. بخشی از بیت‌المال و بخشی از درآمد اراضی خراجیه که در فتوحات اسلامی به دست لشکر اسلام افتاده، باید به مساکین و نیازمندان و از کار افتادگان اختصاص یابد. گرچه در دنیای امروز در بودجه کشورهای مختلف چنین پیش‌بینی‌هایی شده است؛ ولی به گفته مرحوم مغنیه در شرح نهج البلاغه، در هزار و سیصد سال قبل دولتی را سراغ نداریم که مقید باشد سهمی از خزانه دولت را به نیازمندان و محرومان اختصاص دهد و این یکی از نشانه‌های عظمت اسلام است (مغنیه، ۱۹۷۹: ۱۰۰/۴).

۲. برخلاف آنچه در مورد بخشی از بیت‌المال معمول بوده که میان حاضران تقسیم می‌شده، امام (ع) تأکید می‌فرماید که بخش مربوط به محرومان همه نیازمندان را شامل می‌شود چه آن‌ها که در مرکز حکومت اسلامی می‌زیستند و چه آن‌ها که در دورترین نقاط زندگی می‌کردند، زیرا اراضی خراجیه تقریباً در تمام مناطق بود و می‌بایست از درآمد آن، بخشی صرف رفع نیازمندی این نیازمندان شود و به‌این ترتیب باید تمام مسلمانان نیازمند در سراسر کشور اسلامی زیر پوشش این کمک بیت‌المال باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶۲/۱۱). جمله «لِأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِأَدْنَى» اشاره به این است که حاکم اسلامی مجاز نیست برای حاضران در مرکز حکومت امتیازی نسبت به افراد دوردست قائل شود.

اصل عدم تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها، اصلی بنیادی در نظام حقوق بشر است که در ماده دوم اعلامیه حمایت از حقوق معلولان به لزوم مراعات این اصل توجه شده و چنین مقرر گردیده است: «معلولان باید از تمامی حقوق مصرح در این اعلامیه برخوردار باشند. این حقوق باید بدون هرگونه تمایز یا تبعیض براساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا دیگر عقاید، منزلت ملی یا اجتماعی، وضع مالی و ثروت، محل تولد یا هر موقعیت دیگر که مربوط به شخص معلول یا خانواده‌اش است، اعطا گردد.» این مساله در بندبند قانون حمایت از معلولان که به‌طور کلی همه افراد معلول را مخاطب قرار داده نمود دارد.

### راهکارهای حفظ عمومیت و همگانی بودن حقوق معلولان در جامعه از دیدگاه امام علی (ع)

الف- رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

وظیفه‌شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در زمانیکه سخن به افراد دارای معلولیت شدید می‌رسد، کاملاً مشهود است؛ حضرت در این فراز می‌فرماید: «و تَعَهَّدْ اهل الیْتِم و الزَّمانَه و الرِّقَه فی السَّنِّ ممن لا حیلَه له و لا یَنْصِبُ للمَسْأَلَه نَفْسَه». توجه مخصوصی به یتیمان و پیران سالخورده‌گان و از کار افتادگان که خودشان را نشان نمی‌دهند و نیازشان مکتوم است داشته باش، که حقوق این‌ها از بارهای سنگین حکام است و اصولاً حق چیز سنگین و سختی است (گروهی از اندیشمندان، ۱۳۶۸: ۶۱).

اهل الیْتِم یعنی افرادی که به دلیل از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب‌مند» جامعه شده‌اند؛ زمانه یعنی افرادی که به دلیل ناتوانی و معلولیت شدید زمین‌گیر شده‌اند؛ و بالاخره الرِّقَه فی السَّن یعنی کسانی که به دلیل کهولت و سن زیاد، توان تحرک ندارند. تعبیر به «ذَوِی الرِّقَه فی السَّن» که اشاره به پیران از کار افتاده است می‌تواند از این جهت باشد که «رقت» گاه به معنای ضعف و ناتوانی آمده؛ یعنی آن‌ها به سبب سن زیادشان ناتوان و افتاده شده‌اند و گاه به معنای نازکی آمده، زیرا پوست بدن به هنگام پیری نازک می‌شود. احتمال سومی نیز داده شده که منظور از «رقت» عواطف رقیق مردم نسبت به آنان به علت شدت کهولت باشد و جمع میان این احتمالات سه گانه نیز بعید به نظر نمی‌رسد، همان‌گونه که در آیات قرآن جمع میان تفاسیر مختلف ممکن است. جمله «لا یَنْصِبُ للمَسْأَلَه نَفْسَه» اگر اشاره به یتیمان و پیران هر دو باشد مفهومی این است که آن‌ها حتی توان سؤال را برای رفع حاجاتشان ندارند و اگر تنها وصف پیران باشد اشاره به این است که آن‌ها به واسطه کبر سن سؤال و تقاضا را در شأن خود نمی‌دانند، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶۸/۱۱) اوصافی که برای یتیمان و پیران به علت کهولت سن به کار رفته علتی برای رسیدگی به امور آن‌هاست، همان علتی که در افراد دارای معلولیت شدید نیز وجود دارد که عبارت است از ناتوانی شدیدی که حتی توان بیان نیاز خود را ندارند و از طرفی کرامت انسانی‌شان نیز مانع از درخواست از دیگران می‌شود. همان‌گونه که در قرآن مجید درباره گروهی از نیازمندان آمده است: «یَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِیَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِیمَاهُمْ لَا یَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافاً»؛ افراد ناآگاه هنگامی که به چهره آن‌ها می‌نگرند گمان می‌برند از اغنیاء هستند؛ ولی تو با دقت در چهره آنان را می‌شناسی (و آثار فقر را در چهره آنان می‌نگری) آن‌ها هرگز چیزی با اصرار از مردم نمی‌طلبند» (بقره/۲۷۳).

این سه دسته را حضرت به‌طور ویژه رسیدگی کرده و حقوق ویژه برای آنان برمی‌شمارد؛ زیرا اینان چون توان اجابت خواسته‌های شخصی خود را ندارند، حاکمیت باید برای آنان برنامه و تدبیر ویژه داشته باشد. در بخش‌های مختلف قانون حمایت از معلولان شاهد حمایت‌های ویژه قانون‌گذار نسبت به افراد دارای معلولیت شدید هستیم؛ در بخش مناسب‌سازی، دسترس‌پذیری و تردد و تحرک در تبصره‌های قانونی از سامانه‌های حمل‌ونقل شهری و شهرداری‌ها می‌خواهد بستر مناسب جهت تسهیل رفت‌وآمد افراد دارای معلولیت شدید را فراهم آورده و حتی بخشی از خدمات خود را به این بزرگواران اختصاص دهد. در ماده هفت این قانون در بخش تسهیلات پزشکی و تأمین اجتماعی چنین آمده: سازمان مکلف است با هدف حمایت از نگهداری و مراقبت افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید نیازمند و افراد دچار معلولیت‌های چندگانه نیازمند در خانواده پس از ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به خانواده‌ها نسبت به پرداخت حق پرستاری یا مددکاری به سرپرست، همسر یا قیم این افراد اقدام نماید و یا خدمات مراقبتی و نگهداری از افراد دارای معلولیت را از طریق مراکز وابسته به خود یا حمایت از مراکز غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه و تشکل‌های مردم نهاد) ارائه نماید. میزان کمک‌هزینه بابت پرداخت حق پرستاری یا مددکاری موضوع این ماده، متناسب با نوع و شدت معلولیت فرد دارای معلولیت، تعداد این افراد در هر خانواده و براساس هزینه‌های متعارف نگهداری و مراقبت از افراد دارای معلولیت و متناسب با تورم سالانه و میزان کمک‌هزینه پرداختی به مراکز غیردولتی هرساله با در نظر گرفتن نرخ تمام شده خدمات و نرخ تورم سالانه توسط سازمان و با همکاری انجمن عالی مراکز غیردولتی توانبخشی، وزارت و سازمان برنامه‌بودجه کشور تعیین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. نرخ تمام شده باید به‌عنوان کمک‌هزینه به مراکز غیردولتی مرتبط پرداخت گردد.

ب- رسیدگی به امور معلولان منزوی و دور از دسترس.

«و تَفَقَّدَ امْرُؤًا مِنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مَنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ». امور معلولانی را که درخواست‌های آن‌ها به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان‌اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته‌اند. مدیران فقط نسبت به مراجعه‌کنندگان و کسانی که در فهرست ثبت شده‌اند رسیدگی می‌کنند؛ اما معلولانی هستند که در حاشیه‌اند؛ اساساً نمی‌دانند کسی و تشکیلاتی برای رسیدگی به امور آنان هست یا معلولانی هستند که به هر دلیل تحقیر شده و آنان را کنار گذاشته‌اند یا در بازداشت هستند یا به بهانه سوءسابقه، حذف شده‌اند؛ همه اینان مصداق سخن حضرت می‌باشند و به حاکم امر می‌فرماید که باید به امور آنان رسیدگی کنی.

### اصل سوم: حفظ کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنای تعظیم و تنزیه آمده و اسمی است از اکرام که به‌جای آن به‌کار می‌رود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵۱۲/۱۲) در فارسی باید چندین کلمه را کنار هم بگذاریم تا بتوانیم این کلمه را معنای دقیق کنیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۲) در اصطلاح دینی کرامت اسم عام است که اگر در مورد خداوند به‌کار رود به معنای احسان و انعام خدا بر بندگان است و اگر در مورد انسان به‌کار رود به معنای اخلاق و افعال نیکو و پسندیده است که از انسان ظاهر می‌شود (باقری، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

در متون اسلامی دو نوع کرامت برای انسان مطرح شده است، یکی کرامت فطری، ذاتی و غیر مقید به دین و عقیده و دیگری کرامت اکتسابی که مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است. اسلام موجد و منشأ کرامت ذاتی انسان نبوده است (زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). قرآن نیز در بخشی از آیات از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آورده است. (اسراء/۷۰؛ مؤمنون/۱۴؛ تین/۱۴؛ لقمان/۲) و در برخی آیات دیگر انسان مورد نکوهش قرار گرفته و حتی دون بودن او از حیوانات مطرح شده است (نساء/۲۸؛ معراج/۱۶؛ ابراهیم/۳۴؛ احزاب/۷۲؛ اعراف/۱۷۹؛ تین/۵). مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به نحوی آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی، از امکانات و مزایای بیشتری متنعم است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در حال از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است. این نوع امکانات در واقع حاکی از عنایت ویژه حق تعالی به نوع انسان است و کلیه انسان‌ها از آن متنعم‌اند؛ بنابراین هیچ‌کس نباید به خاطر برخورداری از آن بر موجودی دیگر فخر بفرشد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند. چراکه این کرامت به اختیار انسان ارتباطی ندارد و نوع انسان، لاجرم از این کرامت متنعم است. (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۴۶)

دانشمندان اسلامی برای اثبات کرامت ذاتی انسان به آیه ۷۰ سوره اسراء استناد می‌کنند. در این آیه شریفه آمده است: «و ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا به حرکت در آوردیم و از مواد پاکیزه برای آنان روزی مقرر ساختیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم برتری دادیم». لذا این آیه با کمال صراحت بیان می‌دارد که خداوند فرزندان آدم (ع) را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر تعداد زیادی از کائنات برتری داده است. (شبروی، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۵) برخی مفسران تصریح می‌کنند که: «مراد از بنی آدم در این آیه جنس بشر است، صرف‌نظر از کرامات خاصه و فضائل روحی و معنوی که به بعضی اختصاص داده است» (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۱۳/۲۶۱-۲۶۳). بنابراین همه افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به‌عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۸۰). از سوی دیگر باید توجه داشت که کرامت ذاتی حالت مشکک ندارد چراکه کرامت ذاتی نتیجه بشریت است و بشریت مفهومی مشکک نیست، بلکه هر انسانی از آن‌رو که انسان است صاحب کرامت است و همه انسان‌ها از آن‌رو که به یک اندازه از انسان بودن بهره برده‌اند، طبق آیه «و لقد کرمتنا بنی آدم» ذاتاً دارای کرامتی یکسان‌اند. (زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۵) کرامت ذاتی انسان یکی از مفاهیمی است که قاطبه انسان‌ها حداقل از لحاظ تئوری آن را قبول دارند و از آنجائی که از جمله مفاهیم جهانی و فطری است که بین تمام ابنای بشر مشترک است، می‌توان از مقبولیت جهانی آن را در جهت مصالح بشری استفاده نمود (صالحی و عباسی، ۱۳۹۰: ۴۱).

آنچه بیان این مطلب را در این جا حائز اهمیت نموده است این است که در بند سوم و دنباله سخن مولا چنین می‌فرمایند: «هرگز غرور و سرمستی زمامداری، تو را به خود مشغول نسازد (و از رسیدگی به کار آن‌ها باز ندارد) زیرا هرگز به بهانه کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی از ترک خدمات کوچک معذور

نیستی»؛ «و لَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تُعَذَّرُ بِتَضْيِيعِكَ النَّافَةَ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهِمِّ». در این بند نیز علاوه بر تأکید بر امره بودن حقوق معلولان نخست به مالک اشتر هشدار می‌دهد که گاه سرمستی مقام و غرور حاصل از آن انسان را به خود مشغول می‌دارد به گونه‌ای که وظایف خود را فراموش می‌کند؛ و گاه افراد گمان می‌کنند که اگر به امور مهم نیازمندان رسیدگی کردند در ترک امور غیر مهم معذور هستند درحالی که چنین نیست؛ بلکه همه امور آن‌ها باید موردنظر باشد از کوچک تا بزرگ و ای بسا تضييع کار کوچکی سبب مصائب بزرگی شود و یا لاقلاً مایه شکستن قلب آن‌ها گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶۳/۱۱). و در ادامه می‌فرماید: «نباید هم خود را از آن‌ها برگیری و روی از آنان برگردانی (و بی‌اعتنایی کنی)»؛ «فَلَا تُشْخِصْ هَمُّكَ عَنْهُمْ وَ لَا تُصَغِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ». به این ترتیب امام علیه السلام نخست دستور می‌دهد که بخش مهمی از هم و غم او متوجه حال نیازمندان باشد و سپس دستور می‌دهد که با برخورد خوب و چهره گشاده با آنان روبه‌رو گشته، درخواست‌های آن‌ها را بشنود و به آن ترتیب اثر دهد. احترام به کرامت انسانی به عنوان یکی از اصول اساسی در اسناد حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۳ اعلامیه حقوق معلولان در این زمینه چنین مقرر کرده است: «اشخاص معلول از حق ذاتی احترام به کرامت انسانی خود برخوردارند. اشخاص معلول، صرف‌نظر از منشأ، ماهیت و شدت و جدیت نقایص و ناتوانایی‌هایشان از حقوق اساسی مشابه سایر شهروندان هم سن خود برخوردارند که این امر در وهله نخست، متضمن بهره‌مندی آنان از حق زندگی شایسته که تا حد امکان عادی (متعارف) و کامل باشد، است.» در ادامه، ماده ۴ مقرر نموده؛ «اشخاص معلول از حقوق مدنی و سیاسی مشابه دیگر افراد بشری بهره‌مند هستند؛ پاراگراف ۷ اعلامیه حقوق عقب‌ماندگان روانی و ذهنی درباره هرگونه محدودیت احتمالی یا منع از اعمال حقوق مذکور برای معلولان ذهنی در این جا صدق می‌نماید.» مواد مختلف قانون حمایت از معلولان نیز دربردارنده روح حمایت از کرامت انسانی است برای نمونه وفق ماده ۲ این قانون کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد؛ و به‌نحوی تمامی دستگاه‌های کشور را موظف می‌دارد تا در ارائه خدمات به‌نحوی تسهیلات را فراهم نمایند تا مبادا قشر آسیب‌پذیر جامعه نیازمند غیر گردند.

مسئله مهم دیگری که امام در دنباله سخن خود به آن اشاره می‌نماید نحوه خدمات‌رسانی به معلولان است: «فَأَعْطِ مَا أَعْطِيَتَ هِنِيئًا. آنچه می‌دهی، با بزرگ‌منشی اعطا کن.» حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: آنچه از اموال و مایحتاج زندگی به‌عنوان استاندار به معلولان اعطا می‌کنی را با چهره عبوس و گرفته و سختی اعطا نکن بلکه باید به شیوه کریمانه اعطا نمایی و لذا امام شیوه ایده‌آل خدمات‌رسانی به معلولان را در این بند بیان نموده است.

### راهکارهای حقوقی حفظ کرامت معلولان در جامعه از دیدگاه امام علی (ع)

الف- تعیین حقوق مالی مشخص برای معلولان

از آنجایی که مهم‌ترین مسأله و دغدغه یک معلول طعام و تأمین لباس و پوشاک و دیگر ضروریات زندگی به نحوی آبرومندانه است. حضرت اولین حق معلولان را اقتصادی و تعیین مقرری رسمی از بیت‌المال می‌داند. از این رو باید مبلغی به این گروه نیازمند به‌طور منظم پرداخت شود. چراکه با این کار کرامت آن‌ها حفظ گردیده و آن‌ها را از غیر مستغنی می‌نماید. چیزی که اعلامیه حقوق معلولان آن را نادیده انگاشته و در قبال آن هیچ سخنی درخور توجه ندارد ولی در ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان چنین آمده است: «دولت مکلف است کمک‌هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور نماید.» مولا در متن نامه چنین می‌فرماید: «و اجعل لهم قسماً من بیت مالک. بخشی از بیت‌المال را برای آنان قرار بده.»

در دنباله حتی نحوه تقسیم و منبع بودجه مربوطه برای تأمین معاش معلولان بیان گردیده است: «و اجعل قسماً من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد». بخشی از غله‌ها (گندم و جو و برنج) از سرزمین‌های خالصه و غنیمتی مسلمانان در همه جهان اسلام را به معلولان اختصاص بده. صوافی یعنی خالص‌ها، زمین‌های صوافی یعنی زمین‌های خالص پادشاه و دربار اما غلات صوافی الاسلام یعنی غلاتی که از زمین‌های خالصه فتح شده به روش صلح به حکومت واصل می‌شود. امام می‌فرماید قسمتی از این غلات به معلولان تعلق دارد. ب- ایجاد بستر مناسب برای حضور اجتماعی معلولان و ایجاد انگیزه در آن‌ها برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی.

نکته بسیار مهم این است که علاوه بر تخصیص امکانات به معلولان و قائل شدن به تبعیض مثبت برای آن‌ها در این فراز امام از کارگزار خود می‌خواهد بستر اجتماع را به نحوی آماده سازد تا به معلولان تفهیم کند حکومت به معلولان نیاز دارد به‌نحوی که آنان سرمایه اجتماعی محسوب گشته و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد: «و اربهم الی ذلک منک حاجه». به معلولان نشان بده به این برنامه نیازمندی. مسأله‌ای که در قانون حمایت از معلولان نادیده گرفته شده و خلاء ایجاد زمینه‌های فرهنگی در جامعه کاملاً محسوس است.

ج- اجرای طرح ارزاق و تصویب مقرری ثابت برای افراد دارای معلولیت شدید

«فَأَجْرِ لَهُمْ ارزاقاً فَانْهَمَّ عِبَادَ اللَّهِ فَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِتَخْلُصِهِمْ». برای آنان ارزاق بفرست؛ چون آنان بندگان خدا هستند و با رهایی آنان از مشکلات و زندگی فلاکت‌بار، نزد خداوند تقرب پیدا کن.

حضرت از مالک اشتر می‌خواهد با اجرایی و عملیاتی کردن مصوبه‌ی ارزاق برای افراد دارای معلولیت شدید، احتیاجات اولیه آنها را برطرف نموده و مشکلات زندگی شان را برطرف نماید. مسأله‌ای که در ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان مطرح گردیده: دولت مکلف است کمک‌هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور نماید.



بانوان کارمند دارای همسر یا فرزند معلول به شرط نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (با تأیید سازمان) از تسهیلات مقرر در قانون راجع به خدمت نیمه‌وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن با استفاده از حقوق و مزایای کامل بهره‌مند خواهند شد. کارمندان مرد دارای همسر معلول یا دارای فرزند معلول تحت سرپرستی و فاقد مادر به شرط نگهداری فرد دارای معلولیت در منزل (با تأیید سازمان) با یک چهارم کسر ساعات کار هفتگی، از حقوق و مزایای کامل استفاده خواهند نمود.

د- تحمل رفتار غیرمتعارف معلولان همراه با عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

«ثُمَّ احْتَمَلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ». درستی و سخنان غیرمطلوب معلولان را تحمل کن.

معلولان به دلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات گاه عرصه بر آنها تنگ شده و رفتارهای غیرمتعارف یا سخنان خلاف عادت و درشت از آنها بروز می‌کند. آیا باید آنان را محاکمه و مجازات کرد یا باید با آنان به تسامح رفتار نمود؟ امام به مسؤولین امور دستور داده که رفتار و سخنان درشت و غیرمطلوب آنان را تحمل کرده و آنان را مجازات نمایند. به‌رحال از حقوق معلولان این است که رفتارهای غیرمتعارف آنان عفو و بخشیده شده و متولیان قضایی و مسؤولین انتظامی باید نسبت به آنان گذشت داشته و با رأفت و رحمت با آنان برخورد نمایند.

ح- نحوه ارتباط متولیان با معلولان

و نَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ. دور کن از معلولان استبداد و خشونت را؛ به نظر حضرت دو آفت استبداد و خشونت آثار منفی بسیار در پی دارد و به مالک دستور می‌دهد این آفات را از جامعه و فرهنگ معلولان بزداید. حضرت در ادامه می‌فرماید: «يَسِطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْثَفَ رَحْمَتِهِ وَ يُوَجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ»؛ یعنی در جامعه بدون خشونت و استبداد و ظلم، درهای رحمت‌های الهی بازگشته و در همه جای آن رفاه و پیشرفت گسترش می‌یابد. امام علی (ع) به عنوان یک حاکم اسلامی، بر رفتار و عملکرد صاحب منصبان حکومتی، نظارت داشتند و به طرق مختلف آن‌ها را در رعایت عدالت ارشاد می‌کردند. آن حضرت در نامه ای به محمدابن ابوبکر، فرماندار مصر می‌نویسد: «با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان باش... در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مایوس نگردند.» (مولایی، ۱۳۹۲: ۹۶ به نقل از نهج البلاغه، نامه ۲۷: ۵۰۹).

### نتیجه‌گیری

بنابر آنچه بیان شد چهار گروه معلولان در همه‌ی دوره‌ها از گذشته تاکنون حضور داشته و ائمه علیهم‌السلام درباره آن‌ها سخن گفته‌اند و می‌توان گفت مفاهیمی همچون مساکین و محتاجین را حتی اگر نتوانیم از لحاظ مفهومی توسعه داده و بر معلولان منطبق سازیم ولی از جهت مصداقی هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که این عناوین (مساکین و محتاجین) این گروه نیازمند را در برمی‌گیرد و لذا احکامی که امام علی (ع) بعد از این تقسیم‌بندی بیان می‌کنند شامل این قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌گردد. اندیشه‌های حقوقی امام علی (ع) نشأت گرفته از گفتار و سیره و منش آن حضرت می‌باشد و چارچوب و ساختار آن بر اساس رعایت

اصول الزام آور بودن رعایت حقوق افراد نیازمند و توانخواه، کرامت انسانی و عدالت در همه شئون فردی و اجتماعی، فراگیری و عمومیت شمول قوانین و مقررات نسبت به تمامی اقشار جامعه به ویژه افراد دارای معلولیت و توانخواه، رسیدگی به امور معلولان منزوی و دور از دسترس، تعیین حقوق مالی برای معلولان، نظارت بر جامعه معلولان و شناخت نیازهای آنان و ... استوار است و دولت و حکومت اسلامی مسئول و مجری حقوق فوق می‌باشد.

مجموعه حقوق بیان شده در این نامه که مشتمل بر فرمان‌ها و دستورات و نکات بدیع و استوار می‌باشد، می‌تواند در جهان قانون‌مدار امروزی هم کارآیی و مقبولیت داشته باشد و در زمره اسناد بین‌المللی حقوق بشر طبقه‌بندی گشته و به صورت الزام‌آور به جهانیان عرضه گردد چراکه همان‌گونه که مشاهده گردید نکات ریز و ظریفی که امام در این متن نامه به‌طور دقیق به آن اشاره نموده‌اند در متن قانون حمایت از معلولان مصوب سال ۱۳۹۷ چندان موردتوجه قرار نگرفته و اگر به‌طور دقیق و موشکافانه بیان گردند مورد استقبال جهانیان قرار خواهد گرفت و از طرف دیگر فرهنگ‌سازی برای تغییر نگرش افراد دارای معلولیت و آحاد جامعه و مسئولین نسبت به توانایی‌های معلولان و تغییر نگاه جامعه نسبت به این قشر مطلب مهمی بود که امام علی (ع) در میان سخنان خود به آن اشاره نموده بودند و لازم است به آن توجه گردد. به‌رحال کارآمدی و موفقیت نظام حقوقی معلولین مرهون چند عامل می‌باشد: نخست آنکه باید بر مبانی و اصولی منطقی که ناشی از متون دینی است استوار گردد. دوم آنکه قوانین در عرصه‌های مختلف چون آموزش و اشتغال، حرفه‌آموزی و رفاه، مناسب‌سازی اجتماعی با آموزه‌های دینی و مذهبی تعارضی نداشته بلکه تطابق و هماهنگی داشته باشند؛ و سوم اینکه عموم مردم جامعه، افراد دارای معلولیت و مدیران در پست‌های مختلف هرکدام به فراخور وظایف و مسئولیت‌های خود نسبت به حقوق معلولان توجه کردند به‌طوری که هر کس خود را موظف و ملزم بداند تا مسؤولیت‌های محوله را به‌خوبی انجام دهد؛ و در نهایت آنچه در این مجال به‌عنوان نکات حقوقی و اجرایی می‌توان از این بندهای ارائه شده در بالا به‌دست آورد بدین شرح است:

۱. ایجاد نظام حمایتی و راه‌اندازی نظام تأمین اجتماعی برای معلولان
  ۲. تصحیح قانون فعلی و تدوین قانونی جامع و کارآمد برای جامعه معلولان
  ۳. تأسیس تشکل و سازمان برای اجرایی کردن قوانین
  ۴. نهادینه کردن حقوق معلولان در جامعه و فرهنگ‌سازی در نحوه برخورد مردم و مسئولین با این قشر.
- و در آخر این مطلب حائز اهمیت است که همه این قوانین و مقررات و وظایف بدون آموزش عمومی از خردسالی تا بزرگسالی و افزایش عقلانیت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، فیلم، سریال، داستان و دیگر روش‌های فرهنگ‌سازی ممکن نیست که باید موردتوجه مسئولین مربوطه قرار گیرد.

## منابع

- قرآن کریم.
- قانون حمایت از معلولان مصوب سال ۱۳۹۷.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ ه.ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. چاپ: چهارم. قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. ج ۱۳. چاپ سوم. بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴ ه.ق). معجم مقایس اللغة. ج اول، ج ۲، قم - ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابوطالبی، حسن؛ جعفری هرنندی، محمد و آیتی، سید محمدرضا. (۱۳۹۷). «حقوق معلولان در فقه فریقین»، **دوفصلنامه فقه مقارن**، دوره ۶، شماره ۱۱، ۸۵-۵۹.
- باقری، محمدحسین. (۱۳۸۶). «فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام»، **مجله بینات**، شماره ۵۳، ۱۸۲-۲۰۵.
- بهجت گیلانی فومنی، محمدتقی. (۱۴۲۶ ه.ق). جامع المسائل (بهجت). ج دوم، قم - ایران: دفتر معظم له.
- بهری خیابوری، بهمن، عابدینی، عبدالله. (۱۳۹۷). «اشتغال معلولان از منظر حقوق بین الملل». **فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده**، سال دوم شماره ۳، پیاپی ۴، ۱۰۹-۱۴۲.
- جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۰). «حق کرامت انسانی». **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**. شماره ۲۷، ۷۷-۹۸.
- جعفری، محمدمهدی. (۱۳۸۰). **پرتوی از نهج البلاغه**. ج ۴، تهران - ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). **نظم و تربیت پلیس در پرتو کرامت**، مقالات علمی.
- حسینی میلانی، سید محمدهادی. (۱۳۹۵ ه.ق). محاضرات فی فقه الإمامیة - کتاب الزکاة، ج اول، مشهد - ایران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی.
- حلیمی جلودار، حبیب الله. (۱۳۹۲). «آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج البلاغه»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال اول، شماره ۱، ۹-۱.
- خداپرست مشهدی، مهدی. (۱۳۸۷). **بررسی موانع اجرایی شدن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان**، مشهد: سازمان بهزیستی خراسان رضوی، حوزه معاونت توان بخشی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. اول، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیة.
- زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ ه.ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۱۸، قم - بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- زنجانی، آیت الله عباسعلی عمید و توکلی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۳۷، شماره ۴، ۱۶۴-۱۶۵.

- شرقی، محمدعلی. (۱۳۶۶). **قاموس نهج البلاغه**. ج ۲، تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (۱۴۲۲ ه.ق). **حاشیه شرائع الإسلام**. ج اول، قم - ایران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شیروی، مهسا. (۱۳۸۹). «لزوم حفظ کرامت زیستی جنین آزمایشگاهی در پرتو اسناد اخلاق زیستی». **فصلنامه اخلاق پزشکی**، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۳۵-۱۶۶.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ ه.ق). **المحیط فی اللغة**. ج ۸، چ اول، بیروت - لبنان: عالم الكتاب.
- صالحی، حمیدرضا و عباسی، محمود. (۱۳۹۰). «کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی»، **فصلنامه اخلاق پزشکی**، سال پنجم، شماره شانزدهم، ۳۹-۸۷.
- صیمری، مفلح بن حسن (حسین). (۱۴۲۰ ه.ق). **غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام**. ج اول، بیروت - لبنان: دار الهادی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۰ ه.ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، چ ۴، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و موسسه امیرکبیر، تهران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ه.ق). **کتاب العین**، ج ۷، دوم، قم - ایران، نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد مقری. (بی‌تا). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، ج ۲، اول، قم - ایران، منشورات دار الرضی.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۴۱۲ ق). **قاموس قرآن**، ج ۳، چ ششم، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران.
- گروهی از اندیشمندان. (۱۳۶۸). **اصول و شیوه‌های حکومت اسلامی در نهج البلاغه** (مقالات کنگره چهارم و پنجم)، بنیاد نهج البلاغه، تهران - ایران.
- مرادزاده، حسن. (۱۳۹۰). **حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسیولیت مدنی**، اول، تهران - موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۵، اول، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۹۷۹ م). **فی ظلال نهج البلاغه**، ج ۴، بیروت - لبنان: دارالعلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). **پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام**، ج ۱۱، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مولایی، محمد. (۱۳۹۲). «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال اول، شماره ۴، ۹۳-۱۱۰.
- مولوی، محمد. (۱۳۹۵). «اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی(ع)»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱-۱۸.
- نباتی، نگار. (۱۳۸۹). **حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر**، تهران: شهر دانش.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۲). **مبانی نظری حقوق بشر**. در مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، قم، دانشگاه مفید، ۶۱۸.
- نوری، علی. (۱۳۹۴). **حقوق معلولان ایران**، با همکاری دفتر فرهنگ معلولان، قم: صبح صادق.